

پژوهشنامه قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شماره ۳۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

No. 31, Autumn & Winter 2022/ 2023

صفحه ۲۸-۵ (مقاله پژوهشی)

تحلیلی بر ترجمه و تفسیر بسمله در کشف الأسرار مبیدی

انسیه رجبی پور مبیدی^۱، یحیی میرحسینی^۲، کمال صحرائی اردکانی^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۳/۳ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۵/۲۷)

چکیده

در سنت ترجمه قرآن کریم، هر مترجم در برگردان بسمله از یک عبارت ثابت و کلیشه‌ای استفاده کرده است. از سوی دیگر مفسران شیعه و اهل سنت در اکثر قریب به اتفاق تفاسیر، تنها در بسمله سوره حمد به شرح و تبیین این آیه مبادرت ورزیده، نیازی تدیده‌اند ذیل بسمله دیگر سوره چیزی ذکر کنند. در این میان از بین تفاسیر سنتی، لطائف الاشارات قشیری و کشف الأسرار مبیدی استثناء هستند که ذیل هر بسمله، توضیحات منحصر به فردی ذکر کرده‌اند که با دیگر سوره متفاوت است. افزون بر این، در نوبت اول کشف الأسرار که به ترجمه اختصاص دارد، چهار نوع برگردان مختلف آمده که بی‌همتاست. این نوشтар که به روش توصیفی تحلیلی سامان یافته، به دنبال پاسخ به چرایی عملکرد ناهمنگون رشیدالدین مبیدی در ترجمه و تفسیر است؛ پس از تحلیل ۱۱۳ ترجمه و ۱۱۲ تفسیر آیه تسمیت در کشف الأسرار، این نتیجه به دست آمد که گرچه برخی ترجمه و تفسیرها با درون‌ماهی سور در ارتباط است اما در اکثر موارد، با نوعی ذوق و جدانی مبتنی بر ادراکات درونی و اشرافی مواجھیم، در هر حال رفتار رشیدالدین مبیدی نشانگر آن است که او هر بسمله را مخصوص به همان سوره می‌دانسته است؛ دیدگاهی که به شیعه امامیه بسیار نزدیک است.

کلید واژه‌ها: بسمله، آیه تسمیت، ترجمه، تفسیر، تأویل، کشف الأسرار، رشیدالدین مبیدی.

۱. کارشناس ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مبید، مبید، ایران؛ ragabipoor1400@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه مبید، مبید، ایران (نویسنده مسئول)؛ Mirhoseini@mevbad.ac.ir

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه مبید، مبید، ایران؛ Sahraei@meybad.ac.ir

۱. مقدمه و بیان مسئله

«بسمه» را مصدر جعلی یا منحوت از «بسم الله الرحمن الرحيم» دانسته‌اند که از باهم آیی پاره‌ای از حروف «بسم الله» ساخت یافته است (از هری، ۱۰۸/۱۳). این آیه بسیار محل بحث و نظر بوده است؛ افون بر تفاسیر ترتیبی، تکنگاری‌های فراوانی درباره شرح و بسط این آیه بر جای مانده است (تنها برای معرفی ۲۳ اثر در این رابطه، نک: الهی خراسانی، ۴۸-۴۹). همه فرق اسلامی در اینکه بسمه سوره حمد، جزء آیات این سوره است اتفاق نظر دارند اما بحث پردازنه، وضعیت بسمه دیگر سوره‌هاست. در این زمینه، قاریان و فقیهان بصره، مدینه، شام و همچنین ابوحنیفه و مالک بن انس، بسمه آغاز سوره‌ها را آیه مستقل بهشمار نیاورده و آن را صرفاً نشانگر پایان سوره قبل و آغاز سوره بعد دانسته، به قصد تبرک تلاوت می‌کردند. در مقابل قاریان و فقیهان مکه و کوفه، آن را آیه‌ای جداگانه در آغاز هر سوره در نظر گرفته‌اند (زمخسری، ۱/۱).

دیدگاه اخیر، مستمسک برخی از عرفا و صوفیه قرار گرفت تا بسمه هر سوره را مرتبط با خصوص همان سوره دانسته و معنایی مجزا برای آن در نظر گیرند. برای نمونه عبدالکریم بن هوازن قشیری (د ۴۶۵ ق) در لطائف الاشارات، معتقد است بسمه عبارتی تکراری نیست و در هر سوره، معنایی خاص دارد (خشیری، ۱/۴۴). این دیدگاه، طرفدارانی از میان معاصران نیز دارد؛ برای نمونه علامه طباطبائی معتقد است: «هر سوره‌ای غرضی خاص و معنای مخصوصی را ایفا می‌کند. غرضی را که تا سوره تمام نشود، آن غرض نیز تمام نمی‌شود. بنابراین بسم الله هر یک از سوره‌ها، به غرض واحدی بازمی‌گردد که در خصوص آن سوره، تعقیب شده است» (طباطبائی، ۱/۱۶). علامه طباطبائی تنها در سوره حمد متذکر این نکته شده اما در بسمه دیگر سوره‌ها، هیچ اشاره‌ای بدان نکرده‌اند. آیت الله جوادی آملی نیز بر این عقیده‌اند از آنجا که از سویی، نام الله در بسمه، اسم جامع و اعظم خدای سبحان است و سایر اسمای حسنای الهی را زیر پوشش دارد، و از سوی دیگر

رحمت رحمانیه، همه صفات را در برمی‌گیرد، در هر مظہری با اسمی خاص ظہور می‌کند؛ در سوره‌هایی که محتوایی مهرآمیز دارد، در چهره «جمال» و در سوری که مضامینی قهرآمیز دارد، در چهره «جلال» تجلی می‌کند. بنابراین تفسیر «بسم الله...»، به اختلاف سوره‌ها متفاوت است (جوادی آملی، ۲۹۱/۱).

با توضیح فوق، می‌توان گفت این رویکرد مورد تأیید مفسرانی است که قائل به تکرار در قرآن نیستند و تکرار الفاظ را به مفهوم تکرار معانی نمی‌پنداشند؛ از جمله این افراد باید به ابوالفضل احمد بن ابی سعد بن احمد بن مهریزد، معروف به رشیدالدین مبیدی (د ۵۳۰) اشاره کرد که به چنین دیدگاهی باور داشته است. او به صراحت در اثر خویش، چنین گفته است: «مذهب شافعی و اصحاب حدیث آن است که بسم الله الرحمن الرحيم در هر سر سورتی، آیتی است از آن سوره، جبرئیل از آسمان فرو آورده و بر مصطفی ﷺ خوانده» (مبیدی، ۵/۶). در موضعی دیگر، تکراری نبودن هر بسمه را این چنین تبیین کرده است: «و بر سر سورت‌ها نظم آیتی است: بسم الله الرحمن الرحيم. و این آیت به خلاف دیگر آیات است از آنکه آیات قرآن، هر آیتی یک بار وحی آمده است و این آیت، صد و چهارده بار وحی آمده؛ هر حرفی از این آیت، ظرفی است شراب رحیق را؛ و هر کلمه، صدفی است در تحقیق را؛ هر نقطه‌ای از و کوکبی است آسمان هدایت را و نجم رجمی است مر اصحاب غوایت را» (مبیدی، ۲۱۷/۷).

بازتاب این دیدگاه در کشف الاسرار که نگارش آن را ۱۰ سال پیش از مرگ آغاز کرد، نمایان است. بنابراین یکی از مباحث قابل توجه و منحصر به فرد در کشف الاسرار، تفاوت در ترجمه و تفسیر بسمه نسبت به دیگر تفاسیر است که این نوشتار بدان اختصاص دارد؛ نخست تفاوت‌ها در ترجمه بررسیده می‌شود؛ تفاوت‌های مشهود که در ترجمه بسمه می‌توان بیان کرد، از این قرار است: مبیدی ترجمه بسمه را در چهار نوع آورده است: «بنام خداوند فراغ‌بخشایش مهربان»، «بنام خداوند جهاندار دشمن پرور بخشایندگی دوست‌بخشای به مهربانی»، «بنام خداوند بخشایندۀ مهربان»، «بنام خداوند بزرگ

بخشایش مهربان». در بخش تفسیر نیز به این مطالب اشاره کرده که با یکدیگر متفاوت است: «اشاره به اوصاف الهی از جمله رحمت عام به همگان از جمله دشمنان و رحمت خاص به مؤمنان»، «بلاء و جزا در آخرت»، «اشاره به سنت بلا و امتحان»، «راز و نیاز با خداوند». بنابراین عملکرد مفسر در ترجمه و تفسیر در کانون توجه قرار گرفته است تا بتوان تحلیلی از این اقدام مفسر به دست داد.

۲. جایگاه و اهمیت بسمله نزد مبتدی

اهمیت بسمله نزد مبتدی را می‌توان از جوانب مختلف نشان داد. نخست آنکه او بسمله را اولین نوشته خداوند بر لوح محفوظ و نزدیک‌ترین نام به اسم اعظم دانسته است (مبتدی، ۴/۲). او که معتقد است «هیچ نام و ذکر، عزیزتر از آیت تسمیت نیست» (همانجا، ۷۸/۱۰)، در عبارتی عرفانی، گفتگوی عاشقانه بنده و خدا را با گفتن بسمله این چنین تصویرسازی کرده است: «چون بنده گوید بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُ گوید: بنده من، مرا نام نهاد و به نام نیکو خواند؛ چون بنده گوید: بِسْمِ اللَّهِ، معناه بذات بسم الله فابدؤا. می‌گوید، در گرفتم به نام خویش؛ در پیوستم به نام خویش و آغاز کردم به نام خویش؛ در گیرید به نام من، در پیوندید به نام من، آغاز کنید به نام من» (همانجا، ۱-۳/۴).

تفسر در جای جای تفسیر خویش، بسیار از آثار بسمله یاد کرده است؛ برای نمونه در سوره ابراهیم از هیبت، فناء و قرب الهی یاد کرده است (همانجا، ۵/۲۳۰). او درباره

۱. درباره پیشینه پژوهش، نخست باید به آثاری که به صورت کلی درباره بسمله پرداخته‌اند، اشاره کرده؛ از جمله «الاسئلة فی البسملة از برهان الدین ابراهیم بن محمد قیاقی»، «تفسیر آیة البسملة و ذکر ما یتعلق بها اثر سید محمد حسین بن شمس الدین نسابه»، «البسملة لدی المدرستین نوشته سید مرتضی عسکری». زهرا حداد‌نژاد در پایان نامه خود «بررسی جامع تفسیر بسمله»، دیدگاه‌ها پیرامون تفسیر بسمله را از تعدادی تفاسیر، گرد آورده است. در پایان نامه‌ای دیگر از محمد جعفری بور با نام «تبییب و تحلیل تفسیر اثری بسمله در منابع حدیثی و تفسیری»، بسمله تنها در تفاسیر روایی و کتب حدیثی مورد اهتمام بوده است. افزون بر این، بسمله در کشف الاسرار نیز مورد توجه تعدادی از پژوهشگران بوده است؛ اما تلاش‌های فاکر مبتدی، ابراهیم قیصری و شاهرخ محمد بیگی بیشتر معطوف به جمع آوری ترجمه‌ها و تفاسیر مبتدی بوده است و تحلیل خاصی در بی ندارد (برای عنوانین این مقالات، نک: منابع و مأخذ) اما این نوشтар می‌کوشد افزون بر توصیف، به تحلیل و چراجی نیز پردازد.

جایگاه الله در بسمه در مقایسه با دیگر یادکردهای خداوند در قرآن می‌نویسد: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در جمله قرآن دو هزار و پانصد و شصت و سه جایگاه نام الله است. در هیچ جای آن چندان آثار کرم و دلایل فضل و رحمت و تعییه لطف، نیست که در این آیت تسمیت (همانجا، ۱۰/۱۲۰).

رشیدالدین مبیدی خواننده تفسیر خود را به دفعات، متنزک اهمیت ذکر مداوم بسمه کرده است؛ از جمله آنکه شفای بر تمامی بیماری‌هاست (همانجا، ۳/۴) و آثار آخرت‌شناختی فراوانی دارد: «بدانکه صعب‌ترین احوال بندگان چهار حالت است یکی سکرات مرگ و جان‌کنن. دیگر در چهار دیوار لحد جواب منکر و نکیر بصواب دادن. سدیگر برستاخیز از خاک حسرت برخاستن. چهارم بر سر دوزخ پل صراط بازگذاشتن بندۀ مؤمن در حال نزع بگوید، سکرات مرگ برو آسان شود. در ظلمت لحد بگوید، خاک برو روپه رضوان شود. در قیامت و رستاخیز بگوید، رویش چون ماه دو هفته تابان شود. قدم بر پل صراط نهد، آتش دوزخ از وی گریزان شود» (همانجا، ۹/۲۱۵). در این باره حتی از نقل خواب که عرفاً بسیار بدان علاقه دارند نیز دریغ نکرده است: «آن عزیزی پیوسته در همه حال به همه اوقات این نام همی گفت، بعد از وفات او بخواب دیدند که حالت چیست، گفت: نجوتُ من الجحیم و وصلتُ الی دار النعیم ببرکة بسم الله الرحمن الرحيم. رَسَّتم از جحیم. رسیدم بدار النعیم از برکات این نام عظیم» (همانجا، ۹/۳۷۴).

این اهمیت در بزرگداشت و تعظیم بسمه نیز راه یافته است؛ برای نمونه او معتقد است تسبیح موجودات با بسمه آغاز شد و هرگاه مؤمنی بدین جمله آغاز نماید، دیگر موجودات نیز لب به ذکر می‌گشایند (همانجا، ۲/۴۰۳). فضیلت تعظیم بسمه را می‌توان در این جمله سراغ گرفت که هرکس پاره‌ای کاغذ مشتمل بر بسمه بیاید و از زمین بردارد، خداوند متعال به فرشته سمت چپ امر می‌کند تا گناهان صغائر و کبائر او را محظوظ نماید (همانجا، ۸/۱۶۶).

مبیدی با اشاره به آیاتی، معتقد است نام «الله» در میان بتپرستان رایج بوده و نام

«رحمن» و «رحیم» به ترتیب در میان یهودیان و مسیحیان رواج داشته است؛ از این رو بسمله را ترکیبی می‌داند که هر سه دین بزرگ ابراهیمی، نماینده‌ای از نام خداوند در آن دارد (میبدی، ۲۸/۱-۲۹). حکمت چینش این اسمی را نیز به ترتیب زمان می‌بیند؛ ابتدا قدرت الهی «الله»، سپس دوام نعمت «رحمن» و آنگاه آمرزش الهی در آخرت «رحیم» ظهرور و بروز می‌یابد (همانجا، ۱/۲۹).

و بالاخره باید به نگاه مستقل میبدی به بسمله اشاره کرد؛ افرون بر آنچه در بخش مقدمه گذشت، خواجه رشید ذیل بسمله سوره ممتحنه، داستانی را نقل می‌کند که نسانگر باور راسخ او به جزئیت بسمله در هر سوره است: «در آثار مؤثر است که یکی از اهل توفیق هر روزی بی‌آنکه بسم الله بگفتی هزار بار سوره الاخلاص برخواندی، پس از آنکه بعالم آخرت رسیده بود، او را در خواب دیدند، گفتند: ما فعل الله بک؟ الله با تو چه کرد؟ حالت چونست؟ کارت بچه رسید؟ گفت: بهر باری سوره «قل هو الله احد» خوانده بودم، شواب آن را در بهشت از بهر ما کوشکی بنا کرده بودند، و اکنون که بدیدم نمی‌پسندم که ناقص است. گفتند: آن نقصان بگوی تا از چیست؟ گفت: از آن بودست که ما در دنیا شرف بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ از سر سورتها فرونهاده بودیم» (میبدی، ۱۰/۷۹). به نظر می‌رسد این نگاه مستقل به بسمله، ناشی از نگاه عرفانی او باشد که هر بسمله را حاوی اسرار می‌دانست: «در هر کلمه‌ای از کلمات «بسم الله» اسرار ازل و ابد تعییه است؛ اما در حجب عزّت متواری است تا سمع هر ناسزایی بدو نرسد و هر نامحرمی راه بدو نبرد (همانجا، ۱۰/۶۳۳).

۳. ترجمه‌های بسمله

بر پایه روایتی، پیشینه اولین ترجمه بسمله به خواسته ایرانیان از سلمان فارسی در برگردان سوره حمد بازمی‌گردد. او بسمله را «به نام بزدان بخشاونده» ترجمه کرد (بی‌آزار شیرازی، ۴۹). بعد از او در ترجمه تفسیر طبری، عبارت «به نام خدای مهربان بخشاينده» آمده (ترجمه تفسیر طبری، ۱/۱۰) که گویا ترجمه مشهور امروزین – «به نام خداوند

بخشنده مهربان» - از این کتاب برگرفته شده است. مدتها بعد مفسر شیعی ابوالفتوح رازی آن را به صورت «به نام خدای بخشاينده بخشايشگر» ترجمه کرد (ابوفتوح رازی، ۶۲/۱). اما مبیدی در ترجمه، روشی ابداعی در پیش گرفته و چهار معادل مختلف به کار برده است. این موارد از این قرار است:

این عملکرد مختلف را باید تحلیل نمود؛ خصوصاً در عطف توجه به این نکته که تقریباً تمامی مترجمان، تنها یک ترجمه را برای برگردان بسمله انتخاب کرده‌اند. برخی حتی به عنوان قاعده، بر این نکته پافشاری نموده‌اند که مترجم قرآن نباید الفاظ و ترکیبات و ساخت‌های مشابه را بدون دلیل قانع‌کننده به گونه‌ای ناهمسان و چه بسا مخالف ترجمه کند. این گروه اقتضای امانتداری را در این می‌بینند که مشابهات قرآن، از آنجا که در اصل قرآن یکسانند، در برگردان نیز باید حداقل شباهت را واجد باشند (کریمی‌نیا، ۱۰). حتی برخی از مترجمان در ترجمه قرآن خویش، به «حفظ وحدت و برابر نهاده‌ها» به عنوان مبنای خویش اشاره کرده‌اند (خرمشاهی، ۶۴۵، اصل پنجم).

پس باید جویا شد که آیا صرفاً با نوعی ذوق و عبارت‌گردانی مواجهیم؟ یعنی مفسر تکرار یک مضمون را برای مخاطب خویش ملال آور دانسته و خواسته است با عبارت‌های مختلف علاقه مخاطب را به خواندن تفسیر خود بیشتر کند؟ چنانکه از آمار برمی‌آید مبیدی عبارت «بنام خداوند فراخ بخشايش مهربان» را به عنوان «ترجمه مبنای» انتخاب کرده و در بسیاری از موارد، آن را به کار بسته است. پس بایست دیگر برگردان‌ها را مورد مذاقه قرار دارد. در ادامه ترجمه هر یک را بررسی کرده‌ایم:

۱-۱. تحلیل و نقد ترجمه «رحمن» به فراخ بخشايش و بخشاينده

مبیدی در ۱۰۳ سوره از قرآن کریم از ترجمه «بنام خداوند فراخ بخشايش مهربان» استفاده کرده است؛ یعنی بیشترین ترجمه با حجمی فراتر از ۹۰ درصد. در سوره‌های آل عمران، اعراف، نحل و حج نیز از ترجمه «بنام خداوند بخشاينده مهربان» استفاده کرده

است که ترجمه‌ای نزدیک به مورد قبل است. در این دو نوع ترجمه، او رحمان را به «فراخ‌بخشایش / بخشاینده» ترجمه کرده است تا فرآگیری نعمت خداوند بر همه آفریدگان را بازتاب دهد؛ اما با استفاده از واژه مهربان، رحمت خاص خداوند بر مؤمنان را نشان داده است. این مبنا در روایات به ثبت آمده^۱ و در تفاسیر نیز از آن سخن به میان آمده است (فارسی، ۱۹/۱؛ علی، ۹۹/۱).

۳-۱-۱. فرضیه اول: تماماً اشاره به نعمت بدون بحث از عذاب

مروری بر محتوای این دسته از سوره‌ها نشان می‌دهد در برخی موارد، نعمت عام و خاص خداوند در متن سوره به کار رفته است؛ لذا ترجمه فوق با متن سوره سازگار است؛ برای نمونه در سوره قریش از نعمت الفت گرفتن قریش با تصریح به سفرهای زمستانی و تابستانی و سیری از گرسنگی و همچنین نعمت امنیت سخن به میان آمده است (برای تبیین این نعمت‌ها، نک: سید قطب، ۳۹۸۲/۶؛ سحاب، سراسر اثر). در سوره کوثر نیز که از نعمت ویژه خداوند به حضرت محمد ﷺ سخن رفته^۲، از ترجمه «بنام خداوند فراخ‌بخشایش مهربان» استفاده شده است. عملکرد مفسر در ترجمه بسمله سوره‌های ضحی و انسراح نیز این چنین است؛ چرا که سراسر این دو سوره، نعمت و رحمت خدای متعال بر پیامبر ﷺ گوشزد شده است. توجه به گزارش‌های طرح شبهه عدم پشتداری خداوند از رسولش^۳، مهربانی خداوند را بیشتر نمایان می‌سازد.

گرچه فرضیه فوق در برخی سوره‌ها نمود دارد، اما سوره‌هایی وجود دارد که نعمت و عذاب، هر دو کنار همدیگر آمده‌اند. برای نمونه در سوره سجده گرچه در ابتدا از نعمت

۱. «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَيَّانَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنْ تَقْسِيرِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - قَالَ أَبَاءُ يَهَاءُ اللَّهِ وَالسَّيِّنِ سَنَاءُ اللَّهِ وَالْمَيْمُونُ مَجْدُ اللَّهِ وَرَوَى بَعْضُهُمُ الْمَيْمُونُ مُلْكُ اللَّهِ وَاللَّهُ إِلَهٌ كُلٌّ شَيْءٌ الرَّحْمَنُ بِجَمِيعِ خَلْقِهِ وَالرَّحِيمُ بِالْمُؤْمِنِينَ خَاصَّةً» (کلینی، ۱۱۴/۱).

۲. برای تفاسیر این سوره از منظر شیعه و اهل سنت، نک: طبری، ۸۳۵/۱۰؛ ابن عطیه آندلسی، ۵۲۹/۵-۵۳۱.

۳. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فِي قَوْلِهِ: مَا وَدَعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى: «وَذَلِكَ أَنَّ جَبْرِيلَ أَبْطَأَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَأَنَّهُ كَانَتْ أُولَئِكَ سُورَةٌ نَزَّلَتْ أَقْرَأَ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ثُمَّ أَبْطَأَ عَلَيْهِ، فَقَالَتْ خَدِيجَةُ: لَعَلَّ رَبِّكَ قَدْ تَرَكَكَ، فَلَا يَرْسِلُ إِلَيْكَ. فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: مَا وَدَعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى» (قمی، ۴۲۸/۲).

سخن به میان آمده اما از آیه دهم به بعد از کافران و مجرمان سخن رفته است. همچنین در سوره مدثر گرچه بخش ابتدایی سوره به رحمت مطلق خداوند اشاره دارد اما از آیه ۲۶ به بعد، از وحشت عذاب بر کافران سخن می‌گوید.

۳-۱-۲. فرضیه دوم: اشاره همزمان به رحمانیت عام و رحیمیت خاص

در تأیید این فرضیه باید به سوره اسراء با ترجمه فوق اشاره کرد که افزون بر نعمت خاص به مؤمنان، حتی از نعمت‌های عام باریتعالی به کافران و فاسقان سخن رفته است: «مَنْ كَانَ يَرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلَنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ... كُلًا تُمْدُّ هَوْلَاءِ وَهَوْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَخْلُوقًرا» (الاسراء / ۱۸-۲۰). اما این فرضیه نیز همه جا صادق نیست؛ برای نمونه در سوره همزه که سراسر انذار و هشدار است و اصلاً درباره رحیمیت خاص خداوند سخن به میان نیامده است، باز از ترجمه «بنام خداوند فراغ بخشایش مهربان» از برای بسمله استفاده شده است (میبدی، ۱۰/۶۰۸). در نقطه مقابل سوره‌هایی وجود دارند که تماماً به رحیمیت الهی اشاره دارد و باز از همین ترجمه استفاده شده است (برای نمونه سوره نصر، نک: همانجا، ۱۰/۶۴۶).

۳-۱-۳. فرضیه سوم: ارتباط با آیه نخست یا رکوع نخستین سوره

فرضیه بعدی آن است که ترجمه منتخب، در ارتباط با آیه نخست یا رکوع نخستین سوره باشد. درباره این فرضیه هم باید گفت گرچه در سوره‌هایی مثل فتح این فرضیه صادق است اما مثال نقض‌هایی وجود دارد که کلیت آن را زیر سوال می‌برد. برای نمونه در سوره مسد، از ابتدا تا انتها به عذاب ابو لهب و همسرش اختصاص یافته و دقیقاً از همین ترجمه سود جسته شده است (همانجا، ۱۰/۶۵۶).

۳-۲. تحلیل و نقد ترجمه «رحمن» به بزرگ بخشایش

رشیدالدین میبدی تک ترجمه «بنام خداوند بزرگ بخشایش مهربان» را تنها در سوره

مؤمنون به کار بسته است؛ احتمالاً بدان دلیل که در این سوره، اوصاف مؤمنین برشمردن شده و در آیه اول، بر پیروزی و فلاح مؤمنان اشاره شده است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بنام خداوند بزرگ بخشايش مهربان. «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» (۱) جاودید پیروز آمد گرویدگان (همانجا، ۴۱۳/۶).

دریاره این ترجمه منحصر به فرد، باید واکاوی بیشتری نمود؛ باید سؤال کرد که چه تفاوتی میان «بزرگ بخشايش» و «فراخ بخشايش» و «بخشاينده» وجود دارد. کلمه «بخشاينده» - یعنی حالت بدون مضاف و صورت بدون صفت - رها و مطلق است؛ اما صفت «بزرگ یا فراخ»، بخشايندگی را مؤکد و تشديد کرده است. در گذر از این تفاوت میان وجود و عدم صفت، آنچه بیش از همه نياز به تأمل دارد، تفاوت «بزرگ» با «فراخ» است که باید با ریشه‌شناسی^۱ به تفاوت این دو اشاره کرد.

«فراخ» به معنای «پهناور، گسترده و عريض» است (برهان قاطع، ۱۴۴۴/۳)؛ شعر موجود در نخستین واژهنامه فارسی پس از اسلام یعنی «لغت فُرس» نيز همین معنا را تأييد می‌کند: «شایدت باد چندانک اندر جهان فراخا / تو با نشاط و راحت با رنج و درد اعدا» (اسدی طوسی، ۱۴). واژه فراخ که قدمت فراوانی دارد، از ترکیب پیشوند «فرا» و *ahuva از ریشه-ah به معنای «بودن» است (حسن دوست، ۱۹۹۷/۳).

اما واژه «بزرگ» به معنای «معظّم، جلیل، کبیر، شریف و رئیس؛ در مقابل خرد» است (دهخدا، ۴۷۰۲/۳؛ نيز نک: هرن و هو بشمان، ۲۷۴)؛ داعی الاسلام این وصف را برای شخص یا چیزی می‌داند که صاحب جشه یا درجه عظیم و کلان باشد (داعی الاسلام، ۶۸۹/۱). آنچه در اینجا بسیار ياری رسان است، توجه به معنای اصلی ریشه است؛ واژه بزرگ که در زبان پهلوی به صورت Wuzurg تلفظ می‌شده است (مکنزی، ۱۹۸)، از ریشه vaz- به معنای قوى و نيرومند بودن است (حسن دوست، ۴۷۴/۱). اين واژه مشتق از هند و اروپائي ueg* به معنای «جوان بودن و قوى بودن» است که ظهور آن را در ديگر زبان‌هاي

1. Etymology.

اروپایی نیز می‌توان سراغ گرفت؛ برای نمونه در زبان لاتین به صورت *vegēre* به معنای «سرزنه بودن» و در آلمانی کهن *wacchar* به معنای «شجاع و نجیب» است (همانجا). از داده‌های فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که «فراخ بخشایش» بر وسعت و دامنه، دلالت دارد؛ یعنی از حیث اشتمال و فراگیری بخشش، افراد گوناگون و شرایط مختلفی را دربرمی‌گیرد؛ اما «بزرگ بخشایش» بر کیفیت و نفوذ این صفت دلالت دارد؛ یعنی از آن جنس بخشش‌ها خواهد بود که حتمی و پرقدرت است. بنابراین در سوره مؤمنون که بر جانبداری ویژه خداوند نسبت به پارسایان و متدينان اشاره رفته و اتفاقاً در آیه نخست به فلاح و رستگاری آنان اشاره شده است، مبیدی را واداشته تا از این برگردان خاص استفاده کند. ترجمه مبیدی از آیه اول به صورت «جاوید پیروز آمد گرویدگان» دقیقاً با ریشه بزرگ یعنی قوى و نیرومند بودن، همخوان است و این فرضیه را تقویت می‌کند که مبیدی از واژه بزرگ، برای تأکید بر اثر و قدرت بخشش، استفاده کرده است.

۳-۳. تحلیل و نقد ترجمه «رحمن» به جهاندار دشمن پرور ببخشایندگی

مبیدی گاه در تفسیر خود برای نشان دادن رحمت واسعه خداوند، رحمن را به عنایت خداوند به دشمنان گره زده است. برای نمونه در سوره قمر آمده است: «رحمن است روزی گمار و دشمن پرور، خالق خیر و شر... رحیم است او که ایمان دهد و قلب سلیم، مؤمنان را رهاند از نار حجیم» (مبیدی، ۳۹۷/۹). مبیدی به صورت ویژه در سوره‌های حمد، قلم، حaque، معارج و نوح، رحمن را به «جهاندار دشمن پرور ببخشایندگی» ترجمه کرده است که به نظر می‌رسد این گزینش، متناسب با محتوای سوره بوده است تا رحمت عام و خاص خداوند را بیشتر نمایان سازد. برای نمونه در آیه دوم سوره حمد، در تعلیل ستایش خداوند به رویتیت عام او بر تمامی موجودات مستند شده است. در آیه سوم به رحمت عام و خاص اشاره رفته است.^۱ در آیات پایانی نیز به اقسام سه گانه انسان‌ها یعنی

۱. این دیدگاه در منابع مختلف تفسیر شیعی (کاشانی، ۳۰/۱؛ گنابادی، ۲۸/۱) و سنی (ابن عطیه آندلسی، ۶۴/۱؛ ابوحیان، ۳۱/۱) دیده می‌شود.

«نعمت داده شدگان»، «مورد غضب قرار گرفته شدگان» و «گمراهان» اشاره رفته است؛ آیه‌ای که نشان می‌دهد خداوند متعال به هر سه نعمت می‌بخشد.

در سوره قلم نیز در کنار اشاره به گمراهان و کافران و عظیم‌ترین جنبه تخویفی این سوره یعنی سنت املا و استدراج (القلم / ۴۵-۴۴)، در مقابل به مؤمنان و حمایت الهی از اهل حق بویژه نجات حضرت یونس ﷺ (القلم / ۴۸-۵۰) بحث به میان آمده است. درباره سوره حاقه نیز باید گفت در آیات ابتدایی (آیه ۱۰-۴) به عذاب اقوام ستمگر اشاره شده ولی در آیات ۱۹ الی ۲۴ به مؤمنانی که نامه اعمال خود را به دست راست می‌گیرند اشاره می‌کند. این تقابل در سوره معارج نیز قابل مشاهده است (آیه ابتدایی و انتهایی در مقابل آیات ۲۲ تا ۳۵).

در نقد این ترجمه باید گفت گرچه انتخاب‌های فوق قابل دفاع هستند، اما باید بررسی کرد آیا در سوره‌هایی با مضامین مشابه نیز از همین ترجمه استفاده شده است؟ به عبارت دیگر آیا همین شیوه کار در همه سوره‌ها تسلیم یافته است؟ در بررسی اجمالی به سوره‌های کافرون، حاقه و مسد بر می‌خوریم که به کافران و معاندان اشاره شده اما هیچ نمودی به شکل «دشمن پرور بخشانیدگی» در ترجمه مشاهده نمی‌شود. بنابراین در برآیندی کلی از عملکرد مترجم باید گفت گرچه برخی ترجمه‌ها قابل دفاع هستند اما نمی‌توان از آن قاعده کلی استخراج کرد.

۴. تفسیر و تأویل بسمله

میبدی در نوبت سوم تفسیر خود – که به تأویل و مباحث عرفانی اختصاص دارد (نک: قاسم‌پور، ۲۶۹) – در ۱۱۲ نوبت، توضیحاتی برای بسمله سوره‌ها ذکر کرده است. نکته شایان دقت آنکه رشید‌الدین میبدی در نوبت سوم، از میان ۱۵ تا ۳۵ آیه در هر بخش، تنها ۳ تا ۵ آیه را برای تفسیر عرفانی برگزیده است؛ گرچه او معیار روشنی برای توجیه گزینش‌های خود ذکر نکرده اما احتمال داده شده است عواملی نظری «خواست درونی»،

«مقتضیات تفسیری»، «توان تفسیر پذیری آیه»، «اهمیت مطلب از نظر مخاطبان»، «جدال‌های کلامی» و «مشرب عرفانی مبیدی» در این انتخاب، دخیل بوده باشد (جبری، ۴۸-۴۹). عطف توجه به توان تفسیر پذیری آیه، آن هم در مورد بسمله‌ای که ۱۱۳ مرتبه در قرآن کریم عیناً تکرار شده است، نشان می‌دهد این آیه از منظر خواست درونی و مشرب عرفانی، برای مبیدی حائز اهمیت بوده است که ۱۱۲ مرتبه، خود را موظف دیده است آن را شرح و بسط دهد.

این توضیحات که حجم آنها، غالباً دو بند تا نصف صفحه و به ندرت به یک صفحه می‌رسد، منحصر به فرد بوده و در هیچ مورد، توضیحات تکراری مشاهده نمی‌شود. البته باید گفت که این بخش تنها در دو سوره مشاهده نمی‌شود؛ طبیعی است سوره توبه به دلیل عدم اشتغال بر بسمله، تفسیری هم برایش ذکر نشده باشد؛ اما دانسته نیست برای چه بسمله سوره بقره، بدون هیچ توضیحی رها شده است؟ احتمال اینکه این بخش از کتاب در گذر اعصار و قرون، دچار سقط و افتادگی شده باشد، وجود دارد.

در هر حال مبیدی به دنبال این هدف بود که بسمله بهماثبه عبارتی همسان و تکرارشونده در آغاز سور، فارغ از اینکه باید آن را جزء سوره پنداشت و قرائت نمود، چه «کارکرد معنایی یا تفسیری» دارد؟ تأکید مبیدی بر اینکه آیات قرآن یک بار نازل شده اما بسمله، هر بار به صورت مجزا وحی شده (مبیدی، ۷/۲۱۷)، شاهدی صریح بر همین مسأله است.

اینکه او هر کلمه بسمله را «معدن حقائق»، «منابع دقائق»، «مشاوع شرایع» و «صدَفَ تحقیق» می‌خواند (همانجا)، شایان دقت است؛ چرا که صدَفَ با آنکه در دل خود مروارید دارد، اما نماد سریسته بودن است^۱. پس مفسر در بی این مقصود است که بسمله همچون صدَفَ است که باید آن را شکافت تا به مروارید معانی آن، دست یافتد. در پایان، عمق معناداری بسمله نزد مفسر را می‌توان در این جمله سراغ گرفت: «در فضیلت آیت تسمیت آورده‌اند از مصطفیٰ ﷺ که گفت: اگر آدمی و پری همه بهم آیند، چهار هزار سال تا تفسیر

۱. در نمادشناسی جهانی آمده است اگر صدَفَ، نماد اندام درک سماعی و درک ذهنی است، مروارید نشانه سخن و کلام الله است (نک: شوالیه و گریران، ۴/۱۵۰).

و فضیلت آن بدانند، چهار هزار سال به آخر برسد و از فضل آن و تفسیر آن، عُشری ندانسته باشند» (میبدی، ۵/۶).

۴-۱. مروری بر محتوای توضیحات میبدی

در میان عرفا و صوفیه، برای کشف حقیقت بیشتر بر ذوق و اشراق اعتماد می‌شود تا عقل و استدلال (زرین کوب، ۹). امری که در دین‌شناسی به «الهیات عرفانی^۱» نامیدار است و در برابر «الهیات طبیعی^۲» - متمرکز بر عقل - و «الهیات جزئی^۳» - متکی بر تعبد و نقل - قرار دارد. از همین رو کشف الاسرار که تفسیری عرفانی قلمداد می‌شود، در شرح و بسط بسمله نیز تفسیری ذوقی و اشراقی ارائه کرده است؛ همان که برهان‌الدین زرکشی آن را مجموعه‌ای از دریافت‌های باطنی و استنباط‌های درونی عارف می‌داند (زرکشی، ۱۷۰/۲) و یا محمدهادی معرفت، آن را برآمده از اشرافات نوری می‌شمرد که بر مقدمات علمی و برهان‌های منطقی استوار نیست (معرفت، ۳۸۰). مستشرق فرانسوی پُل نویا معتقد است برخی صوفیان عملکرد خود در برداشت از قرآن را نه تفسیر و تأویل، بلکه «استنباط» نامیده‌اند (نویا، ۲۷). دقیقاً این اصطلاح از سوی رشید‌الدین میبدی نیز به کار رفته است: «آن صاحب الهام و صاحب معرفت یکی در بحر تفکّر به دست استنباط جواهر معانی از آیات و اخبار بیرون می‌آرد» (میبدی، ۱۹۲/۵). همچنین او با نقل قول از ابو‌عثمان مغربی، معتقد است تدبیر در قرآن بر سه نوع است که عالی‌ترین آن، «تدبر حقيقة و مکاشفه» است که تنها مختص عارفان است (همانجا، ۶۱۲/۲-۶۱۳).

بنابراین توضیحات میبدی ذیل بسمله را باید نوعی «وحی دل» خواند^۴ که متکی بر استنباط‌ها و کشفیات درونی اوست. او خود از زبان عارفان به «زبان کشف» که ناشی از «عنایت الهی» است، تعبیر نموده است (همانجا، ۲۹۴/۳). از همین‌رو ذیل بسمله، بسیار با

1. Mystical Theology
2. Natural Theology
3. Dogmatic Theology

۴. برای این اصطلاح، نک: قاسم‌پور، ۱۴۱.

راز و نیاز با خداوند مواجهیم (برای نمونه: ج ۶۵۲/۵، ج ۲۸۴/۷ جم). تبیین اسامی خداوند از جمله کلمات تشکیل دهنده بسمله یعنی الله، رحمن و رحیم، بسیار مشاهده می شود (برای نمونه: ج ۴۱۵/۲، ج ۵۵۵/۳). اشاره به فواید سمعان نام الله نیز بارها تکرار شده است (نک: ج ۵۴۶/۸، ج ۳۷۴/۹).

معرفی صفات خداوند بویژه رحمت واسعه الهی به دفعات ذیل بسمله سوره ها تبیین شده است (برای نمونه: ج ۱۶۶/۸، جم). آنچه در توضیحات بسمله به عیان دیده می شود، غلبه رویکرد تبییری مفسر است؛ به عبارت دیگر بیشتر مخاطبان خود را به عطوفت و بخشندگی خداوند حتی نسبت به مجرمان و گناهکاران، التفات می دهد (ج ۱۵۳/۹؛ ج ۱۰۶/۱۰) و به ندرت از عذاب نسبت به کافران سخن رفته است (نک: ج ۴۹۶/۷).

میبدی برای حروف تشکیل دهنده بسمله یعنی باء، سین و میم ارزش زیادی قائل شده و هر یک را نشانگر یکی از مظاہر افعال و صفات الهی دانسته است. برای نمونه ذیل بسمله سوره اعراف می نویسد: «باء بر خدا است با پیغمبران بالهای نبوت و رسالت. سین سر خدا است با عارفان بالهای انس و قربت. میم منت خدا است بر مریدان بدوام نظر رحمت. الف آلاء اوست. لام اول لطف او. لام دوم لقاء او. هاء تنبیه و ارشاد او» (ج ۵۵۵/۳). اما در سوره مریم، وجوده دیگری بر می شمرد: «الباء، بقاء اللَّهِ رب العالمين. السَّيِّن، سلام اللَّهِ على المؤمنين. الميم، محبة اللَّهِ بعباده التائبين و المتطهرين» (ج ۱۶/۶). در این میان برای باء بسمله ارزش فراوانی قائل شده است: «این باء بِسْمِ اللَّهِ، درگاه عزّت قرآن است؛ قرآن که خلائق را بار داد از درگاه باء بِسْمِ اللَّهِ داد» (ج ۹۰/۱۰). میبدی به سان بسیاری از عرفا، نقطه باء را حائز اهمیتی شایان توجه می بیند. از این رو معتقد است: «آن نقطه که در تحت باء «بِسْمِ اللَّهِ» است، اگر چه در نظر بشریت اختصاری و اقتصاری دارد. آن در آسمان قرآن بر مثال زهره کمال است و بر رخسار حقیقت بر مثال خال جمال است (ج ۵۳۷/۱۰).

ذیل بسمله سوره عصر نیز نقطه باء را این گونه تبیین کرده است: «هر چه در صورت باء است در صرّه نقطه وی است؛ و گفته اند: نظم قرآن بر مثال عرش آمد و نقطه باء بر مثال

ذرّه؛ اکنون دیده سرّ بگشا در صور و در سور نظر کن، نهایت عظمت در قرآن و در عرش
بین و نشان قدرت در ذره و در نقطه بین» (ج ۶۰۶/۱۰).

نکته درخور توجه دیگر آنکه گاه رسوب باورهای ایرانی مفسر در توضیح بسمله،
نمایان است؛ از جمله عناصر اربعه این چنین به بسمله پیوند خورده است: «بدان که عناصر
عالم چهار است: باد و آتش و آب و خاک. و این چهار عنصر، وجود که یافتند در بدرو
آفرینش، ازین چهار کلمت یافتند: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. نسیمی و شمیمی بود از عالم
جلال و جمال این کلمات که وزید، تا این چهار عنصر در عالم پیدا آمد. آن گه در دور اول
تا عهد آخر این چهار عنصر قوت طبیعت داشتند و عالم از ترکیب اجزاء ایشان، منتظم
همی بود بر وفق تقدیر الهی» (ج ۲۸۰/۹).

نکته پایانی آنکه بسیاری از عبارات مبیدی در توضیح بسمله، چه عیناً به عربی و یا
ترجمه اش به پارسی، دقیقاً برگرفته از لطائف الاشارات قشیری است؛ برای نمونه توضیح
مندرج در سوره تحریم در دو سوره، شبیه به همدیگر است (قشیری، ۳/۴۰؛ قس: مبیدی،
۱۰/۱۶۴). اما در اکثر عبارات همسان، نام سوره‌ها متفاوت است؛ یعنی گویی رشیدالدین
مبیدی، عامدانه توضیح قشیری را اخذ کرده و در سوره دیگری به کار برده است. برای
نمونه شرح بسمله قشیری در سوره‌های غافر، تین، واقعه و منافقون، به ترتیب در کشف
الاسرار ذیل سوره‌های شوری، نجم، جمعه و طلاق مشاهده می‌شود (نک: قشیری،
۳/۷۴، ۹/۱۴، ۱۰/۱۰، ۱۰/۱۴۸).
البته ناگفته نماند مبیدی در بسیاری از موارد، عبارات مجمل و خلاصه قشیری را شرح و
بسط داده است. برای نمونه با آنکه بخشی از عبارت قشیری در شرح بسمله سوره ملک
در سوره ابراهیم کشف الاسرار آمده است، اما توضیحات بسیار بیشتری را از مبیدی شاهد
هستیم (نک: قشیری، ۱/۳۹۶؛ قس: مبیدی، ۵/۲۳۰).

در ضمن رشیدالدین مبیدی گاه در مضامین تفسیری و تأویلی خود درباره بسمله، از
سخنان اقطاب صوفیه سود جسته و از آنها نام برده است. از آن جمله باید به جنید و

منصور حلاج (ج ۳/۵۵۵)، یحیی بن معاذ (ج ۲/۱۰) و بویژه خواجه عبدالله انصاری^۱ با تعبیر «آن پیر طریقت» (ج ۳/۷۸، ۱۰/۲۹۴) یاد کرد.

۴-۲. تحلیل عملکرد مبیدی در تفسیر و تأویل بسمله

در تحلیل توضیحات مبیدی ذیل بسمله که بیشتر باید آن را تأویل و نه تفسیر نامید، دو فرضیه اصلی دنبال شد؛ نخست اینکه این فقرات با محور اصلی سوره، در ارتباط باشد؛ یعنی مبیدی توضیحاتی برای بسمله هر سوره درج کرده که متناسب محتوای اصلی همان سوره باشد. همچنین ارتباط توضیحات مبیدی با فواتح سور، به عنوان فرضیه دوم مورد واکاوی قرار گرفت.

از همین رو برای آزمون فرضیه اول، محورهای موضوعی هر سوره از کتاب «مجموعه کامل ساختار سوره‌های قران کریم» اثر محمد خامه‌گر استخراج شده و با نکات اصلی مورد اشاره در کشف الأسرار مقایسه شد. همچنین ارتباط سخنان قشیری با فواتح سوره که ممکن است مورد توجه مبیدی بوده باشد، به محک گذاشته شد. در هر دو مورد، ارتباط‌ها در سه‌گونه «تطابق»، «تضاد» و «تباین» دسته‌بندی شد (نک: رجبی‌پور، فصل سوم). در اینجا تنها به سه نمونه از انواع رابطه، اشاره می‌شود:

نمونه اول / تطابق: در تفسیر بسمله سوره محمد آمده است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بنام خداوندی قادر و قاهر و دیان، واحد و وحید در نام و در نشان، یکی یگانه یکتا از ازل تا جاودان، رحمن است دارنده جهان و پروراننده جهانیان، دوستان و دشمنان. رحیم است بمؤمنان و نوازنده ایشان در دو جهان، بنگاشت از کل صورت انسان و برگزید او را بر همه آفریدگان. همه را هست کرد در این سرای بلا و امتحان. پس بحکمت اختلاف او کند میان ایشان، یکی گریان، یکی خندان، یکی شادان یکی با غم و احزان، یکی نواخته فضل،

۱. نقل قول از خواجه عبدالله انصاری- استاد و مرشد مبیدی - در کشف الأسرار سبب شده است برخی از محققان، مؤلف کشف الأسرار را خواجه عبدالله انصاری بدانند (گرجی، ۳۰). این در حالی است که برخی با تحقیق آماری، نسبت نقل قول‌های خواجه عبدالله در کشف الأسرار را یک پنجاه و سوم کل کتاب دانسته‌اند (بصیری، ۱).

آراسته معرفت و ایمان، یکی خسته عدل آلوده کفر و طغیان، فردا برستاخیز همه را جمع کند. آدمیان و پریان همه را جزا دهد بکردار ایشان، مؤمنان را احسان و رضوان و غفران، کافران را انکال و اغلال، زقوم و قطران. رب العالمین در ابتداء این سوره هر دو گروه را یاد کرد و مآل و مرجع ایشان پیدا کرد» (میبدی، ۱۸۵/۹).

| محورهای مورد اشاره میبدی | محور اصلی سوره | برآیند مقایسه | ارتباط با فاتحه سوره |
|--|---|--|------------------------|
| ۱) اشاره به اوصاف الهی از جمله رحمت عام به همگان از جمله دشمنان و رحمت خاص به مؤمنان؛ ۲) اشاره به سنت امتحان، بلاء و جزا در آخرت؛ | محور اصلی: اهداف جهاد با دشمنان دین محورهای فرعی: ۱) مقابله با دشمنان دین خدا؛ ۲) بهره‌مند شدن مومنان از حمایت و پاداش الهی؛ ۳-۴) افسای اقدامات و ماهیت منافقان؛ ۴-۵) تشویق مومنان به جهاد در راه خدا (خامه‌گر، ۶۲) | تطابق (مرتبط با) محو (مرتبط با) محو (مرتبط با آیه اول و دوم) | مرتبط با آیه اول و دوم |

نمونه دوم / تباین: میبدی در سوره حاقه چنین می‌نویسد: «قوله تعالیٰ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ رُوحُ الْلَّهِ وَ شَفَاءُ لِلْقَلْبِ الْمَجْرُوحِ طَوْبَى لِمَنْ يَغْدُو بِذِكْرِهِ وَ يَرْوَحُ فَالرَّبِّ عَلَيْهِ مَطْلَعُ وَ الْبَابُ لَهُ مَفْتُوحٌ خداوندا بنشانت بینندگانیم، بنامت زندگانیم، بفضلت شادانیم، بمهرت نازانیم. مست مهر از جام تو مائیم، صید عشق در دام تو مائیم:

زنجیر معنبر تو دام دل ماست عنبر ز نسیم او غلام دل ماست
در عشق تو چون خطی بنام دل ماست گویی که همه جهان بکام دل ماست»

(همانجا، ۲۱۹/۱۰)

| محورهای مورد اشاره میبدی | محور اصلی سوره | برآیند مقایسه | ارتباط با فاتحه سوره |
|---|--|---------------|----------------------|
| ۱) آثار بسمله بر روح و قلب انسان‌ها؛ ۲) راز و نیاز با خداوند | محور اصلی: تاثیر اعتقاد به قیامت در سرنوشت انسان محورهای فرعی: ۱) اثر انکار قیامت در زندگی دنیوی؛ ۲) اثر اعتقاد به قیامت در حیات اخروی؛ ۳) حقانیت تعالیم قرآن درباره قیامت (خامه‌گر، ۸۴). | تباین | غیر مرتبط |

نمونه سوم / تضاد: مبیدی در تفسیر سوره کافرون می‌نویسد: «قوله تعالیٰ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اسم عزیز ما استنارت الظُّواهر أَلَا بآثار توفیقه و ما استضاءت السّرائر أَلَا بانوار تحقیقه، فبتوفیقه وصل العابدون إِلَى مجاهدتهم و بتحقیقه وجد العارفون کمال مشاهدتهم، و بتمام مجاهدتهم وجدوا آجل مثبتهم، و بدوام مشاهدتهم نالوا عاجل قربتهم. نام خداوندی که نثار دل دوستان امید دیدار او، بهار جان درویشان در مرغزار ذکر و ثناء او. هرکس را بهاری و بهار مؤمنان یاد وصال او. هر کجا راستی است، آن راستی بنام او. هر کجا شادی است، آن شادی بصحبت او. هر کجا عیشی است، آن عیش بیاد او. هر کجا سوزی است، آن سوز بمهر او. ملک امروز یاد و شناخت او، ملک فردا دیدار و رضای او. اینت کرامت و منزلت، اینت سعادت و جلالت!» (همانجا، ۶۴۴/۱۰).

| محورهای مورد اشاره مبیدی | محور اصلی سوره | برآیند مقایسه | ارتباط با فاتحه سوره |
|--|---|---------------|----------------------|
| (۱) عنایت و دستگیری خدا نسبت به عابدان و عارفان؛ ۳) اشاره به اهمیت وصال و قرب الهی برای عارفان. | محور اصلی: متفاوت بودن عقیده و شریعت پیامبر ﷺ با آیین کافران محورهای فرعی: ۱) تفاوت معبد پیامبر و کافران؛ ۲) تفاوت شریعت پیامبر با آیین کافران (خامه‌گر، ۱۲۴). | تضاد | غیرمرتبط |

پس از بررسی تمامی سوره‌ها، نسبت توضیحات مبیدی با محور موضوعی سور از این قرار است (نک: رجی بور، ۱۴۰۰، فصل سوم).

| ردیف | رابطه | عنوان سوره | تعداد درصد | |
|------|-------|---|------------|-------|
| ۱ | تبیین | آل عمران / اعراف / نساء / مائدہ / انعام / انفال / یونس / هود / رعد / ابراهیم / اسراء / کهف / نور / فرقان / شراء / نمل / عنکبوت / لقمان / طه / احزاب / سباء / فاطر / یس / ص / غافر / حج / فصلت / زخرف / دخان / جاثیه / احقاف / فتح / حجرات / ق / ذاریات / طور / نجم / الرحمن / واقعه / حدید / مجادله / حشر / ممتحنه / صف / حلقه / نوح / مؤمنون / جمعه / منافقون / تغابن / طلاق / تحریم / جن / مزم / مدثر / | ۹۱ | %۸۱/۲ |

| | | | | |
|-------|----|---|-------|---|
| | | قیامت / انسان / مرسلات / نبأ / نازعات / عبس / تکویر / انطمار / مطفین / بروج / طارق / اعلی / غاشیه / فجر / بلد / شمس / لیل / ضحی / شرح / تین / علق / قدر / بینه / عادیات / قارعه / تکاشر / همزه / فیل / قریش / ماعون / کوثر / کافرون / نصر / مسد / فلق / ناس | | |
| %۳/۵ | ۴ | حجر / قمر / زلزال / قلم | تضاد | ۲ |
| %۱۵/۱ | ۱۷ | حمد / یوسف / مریم / انبیاء / قصص / روم / سجدہ / صافات / زمر / شوری / محمد / ملک / انشقاق / عصر / اخلاص / نحل / معراج | تطابق | ۳ |

همچنین در بررسی دیگر، نسبت توضیحات مبتدی با فواید سورا از این قرار است

(نک : همانجا، فصل سوم) :

| ردیف | رابطه | عنوان سوره | تعداد | درصد |
|------|-------|--|-------|--------|
| ۱ | تباین | جاشیه / محمد / قمر / ذاریات / حجرات / ص / نحل / زمر / انفال / غافر / احزاب / نساء / روم / نمل / مائده / الرحمن / مجادله / ممتحنه / طه / یس / نکبوت / قلم / ماعون / قارعه / بینه / غاشیه / بروج / طارق / انطمار دهر / مرسلات / نبأ / نازعات / عبس / جن / مطفین / فجر / بلد / شمس / لیل / ضحی / شرح / مزم / تین / علق / زلزال / تکاشر / مدثر / عصر / همزه / فیل / قریش / کوثر / مسد / فلق / نور / حج / منافقون / تحریم / انبیاء / فصلت | ۶۱ | %۵۴/۴۶ |
| ۲ | تضاد | يونس / معراج / هود / سجدہ / طور / نجم / طلاق / الحاقة / نوح / عادیات / انشقاق / تکویر / قیامه / کافرون | ۱۴ | %۱۲/۵ |
| ۳ | تطابق | حمد / آل عمران / انعام / اعراف / یوسف / رعد / ابراهیم / حجر / اسرا / کهف / مریم / مومنون / فرقان / شعراء / فاطر / صافات / شوری / قصص / لقمان / سبا / زخرف / احقاف / دخان / فتح / ق / واقعه / حشر / ملک / حدید / صف / ناس / تغابن / جمعه / اعلی / قدر / اخلاص / نصر / | ۳۷ | %۳۳ |

فرضیه سومی که البته به صورت نادر می‌توان در برخی سوره‌ها دنبال کرد، ارتباط توضیحات مبیدی با نام سوره است. برای نمونه در بسمله سوره یونس، دقیقاً می‌توان ارتباط توضیحات را با سرگذشت پیامبری که سوره به نام اوست، مشاهده کرد: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُ مُنَورُ الْقُلُوبِ، الرَّحْمَنُ كَاشِفُ الْكُرُوبِ، الرَّحِيمُ غَافِرُ الذُّنُوبِ». اللَّهُ است افروزنه دل دوستان. رحمن است باز برندۀ اندوه بیچارگان. رحیم است آمرزندۀ گناه عاصیان ... الرَّحِيمُ يغْفِرُ الذُّنُوبَ بِغَيْرِ عِتَابٍ ... رحیم است که گناه ظالمان بعفو خود شوید (مبیدی، ۲۵۴/۴).

نتایج مقاله

(۱) یکی از ویژگی‌های جالب توجه تفسیر کشف الاسرار که آن را از عمدۀ تفاسیر پیش و حتی پس از خود متمایز ساخته، اعتنای ویژه او به بسمله است. رشید الدین مبیدی در نوبه اولی که به ترجمه آیات پرداخته، بسمله ۱۱۳ سوره را به ۴ گونه مختلف ترجمه کرده است: الف) «بنام خداوند جهاندار دشمن پرور ببخشایندگی دوست‌بخشای به مهریانی» برای سوره‌های حمد، قلم، حاقه، معراج و نوح (٪۴،۳۸)؛ ب) «بنام خداوند بخشایندۀ مهریان» برای سوره‌های آل عمران، اعراف، نحل و حج (٪۳،۵۰)؛ ج) «بنام خداوند بزرگ بخشایش مهریان» برای بسمله سوره مؤمنون (٪۰،۸۷)؛ د) و «بنام خداوند فراخ بخشایش مهریان» برای باقی سور (٪۹۰،۳۵).

(۲) به نظر می‌رسد مفسر، بسمله را در سوره‌های حمد، قلم، حاقه، معراج و نوح که به «بنام خداوند جهاندار دشمن پرور ببخشایندگی، دوست‌بخشای به مهریانی» ترجمه کرده، متناسب با محتوای سوره بوده است تا رحمت عام و خاص خداوند را بیشتر نمایان سازد. دقیقاً مروری بر محتوای این سوره‌ها نشان می‌دهد در کنار مؤمنان، از دشمنان و کافران و ظالمانی سخن رفته که خداوند متعال نسبت به هر دو گروه، نعمت شامل و فراگیر خود را ارزانی داشته است؛ به همین دلیل به دشمن پرور اشاره کرده است. شایان ذکر است در سه سوره از ۴ سوره فوق، از

سبق رحمت خداوند اشاره رفته است. اما در نقد این ترجمه باید گفت گرچه انتخاب‌های فوق، قابل دفاع هستند؛ اما سوره‌هایی با مضامین مشابه وجود دارند که این ترجمه در آنها استفاده نشده است. برای نمونه در سوره‌های کافرون، حاقه و مسد به کافران و معاندان اشاره شده اما هیچ نمودی به شکل «دشمن پرور بخشایندگی» در ترجمه مشاهده نمی‌شود.

(۳) درباره ترجمه «بنام خداوند بزرگ بخشایش مهربان» که تنها در سوره مؤمنون آمده است خصوصاً در مقام مقایسه با «بنام خداوند فراخ بخشایش مهربان» که برای اکثر سوره‌ها به کار رفته است باید گفت: «فراخ بخشایش» بر وسعت و دامنه، دلالت دارد؛ یعنی از حیث اشتمال و فرآگیری بخشش، افراد گوناگون و شرایط مختلفی را دربرمی‌گیرد؛ اما «بزرگ بخشایش» بر کیفیت و نفوذ این صفت دلالت دارد. بنابراین در سوره مؤمنون که بر جانبداری ویژه خداوند نسبت به پارسایان و متدينان اشاره رفته و اتفاقاً در آیه نخست بر فلاح و رستگاری آنان اشاره شده است، میبیدی را واداشته تا از این برگردان خاص استفاده کند و نفوذ بخشایش خداوند به مؤمنان را نشان دهد.

(۴) ابوالفضل میبیدی در تفسیر بسمله نیز عملکرد خاص خود را در پیش گرفته است؛ او برای هر سوره – بجز سوره بقره و البته سوره توبه که بسمله ندارد – توضیح ویژه‌ای درج کرده که با همدیگر متفاوت‌اند؛ مهمترین محورهای مورد اشاره مفسر کشف الاسرار از این قرار است: «مدح و ثنای الهی»، «مناجات با خداوند»، «تفسیر و تأویل اسماء الهی»، «تفسیر و تأویل حروف در آیه تسمیت»، «اشارة به عظمت سماع نام الله».

(۵) برای دستیابی به تحلیل تفاسیر میبیدی درباره بسمله، دو فرضیه اصلی دنبال شد؛ (الف) ارتباط توضیحات میبیدی با فواتح سوره؛ (ب) ارتباط توضیحات میبیدی با محور اصلی سوره. در هر دو مورد، ارتباط‌ها در سه‌گونه «تطابق، تضاد و تباین» دسته‌بندی شد. بیشترین فراوانی از آن رابطه تباین است که نشان می‌دهد برداشت‌های میبیدی بیش از همه، ریشه در مسائل ذوقی و تأویلات عرفانی او داشته است و ربط چندانی به محور اصلی سوره و آیات نخستین ندارد. با وجود این، عملکرد میبیدی نشان می‌دهد او بسمله را جزئی از سوره در نظر گرفته و هر بسمله را منحصر و مخصوص هر سوره و حاوی پیام مجازی می‌دانسته است.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم، با استفاده از ترجمه‌های آیت‌الله مکارم شیرازی، آیتی و فولادوند و خرمشاهی.
۲. ابن عطیه آندلسی، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲.
۳. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان، به کوشش جعفر یاحقی و دیگران، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸.
۴. ابوحیان آندلسی، محمد بن یوسف، البحر المحيط فی التفسیر، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰.
۵. ازهربن احمد، تهذیب اللغة، به کوشش محمد عوض مرعب، بیروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۲۱.
۶. اسدی طوسی، ابومنصور علی بن احمد، لغت فرس، به کوشش عباس اقبال، تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۱۹.
۷. الهی خراسانی، علی اکبر، «یحثی درباره بسم الله»، فصلنامه مشکات، شماره ۲۱، ص ۴۹-۴۸، ۱۳۶۷.
۸. بصیری، محمدصادق، مقایسه اجمالی تفسیر خواجه عبدالله انصاری و کشف الاسرار مبیدی، نظریه ادب فارسی، شماره ۱۴، ۱۳۸۲.
۹. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، قرآن ناطق، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۰. تبریزی، محمدحسین بن خلف، برهان قاطع، به کوشش محمد معین، تهران: کتابفروشی ابن سینا، ۱۳۴۲.
۱۱. نعلی، احمد بن محمد، الكشف و البيان عن تفسیر القرآن، به کوشش ابن عاشور، بیروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۲۲.
۱۲. جبری، سوسن، چالش‌های متین در بخش تفسیر عرفانی کشف الاسرار، پژوهش‌های ادبی، شماره ۴۵، ۱۳۹۳.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، تنبیه تفسیر قرآن کریم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸.
۱۴. حسن دوست، محمد، فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی نشر آثار، ۱۳۹۳.
۱۵. خامه‌گر، محمد، مجموعه کامل ساختار سوره‌های قرآن کریم. قم: آیه نور، ۱۳۹۵.
۱۶. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه، ۱۳۷۷.
۱۷. زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء، ۱۳۷۶.
۱۸. زرین‌کوب، عبدالحسین، ارزش میراث صوفیه، تهران، امیرکبیر، ویرایش دوم، ۱۳۷۸.
۱۹. زمخشri، محمود بن عمر، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، بیروت: دار الكتاب العربي، ۱۴۰۷.
۲۰. سخاب، فکتور، إیلاف قریش رحلة الشتاء و الصيف، بیروت: المركز الثقافی العربي، ۱۹۹۲.
۲۱. سیدقطب، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروح، چاپ سی و پنجم، ۱۴۲۵.
۲۲. شوالیه، زان و آلن گربران، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضایلی، تهران: جیحون، ۱۳۷۸.
۲۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷.
۲۴. طبری، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۲۵. طبری، ترجمه تفسیر طبری، به کوشش حبیب یغمایی، تهران: توسع، ۱۳۵۶.
۲۶. فارسی، حسن بن احمد، الحجۃ للقراء السبعه، بیروت: دارالمأمون للتراث، ۱۴۱۳.
۲۷. قاسم‌بور، محسن، پژوهشی در جریان شناسی تفسیر عرفانی، تهران: موسسه فرهنگی هنری ثمین نوین، ۱۳۸۱.
۲۸. قصیری، ابوالقاسم عبدالکریم، لطائف الاشارات، به کوشش ابراهیم بسیونی، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۲۰۰۰.
۲۹. قیصری، ابراهیم، «تعابرات عرفانی بسم الله الرحمن الرحيم در تفسیر کشف الاسرار مبیدی ۱ و ۲»، فصلنامه مشکات، شماره ۳۳ و ۳۴، ۱۳۷۰.
۳۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر، به کوشش طیب موسوی، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۳.
۳۱. کاشانی، ملا فتح‌الله، منهج الصادقین فی إلزم المخالفین، تهران: کتابفروشی اسلامیه، بی‌تا.

۳۲. کریمی‌نیا، مرتضی، یکسانی و هماهنگی ترجمه قرآن، ترجمان وحی، شماره ۱، ۱۳۷۶.
۳۳. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۶۷.
۳۴. گرجی، ابوالقاسم، مقدمه بر ترجمه تفسیر جوامع الجامع، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۲.
۳۵. محمدیگی، شاهرخ، «آیت تسمیت در تفسیر کشف الاسرار و عدة الأبرار»، نشریه وقف میراث جاویدان، ش ۱۰، ۱۳۷۴.
۳۶. معرفت، محمدهادی، تفسیر و مفسران، قم: موسسه فرهنگی تمہید، ۱۳۸۰.
۳۷. مکنتری، د.ن، فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ترجمه مهشید میرفخرابی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۳.
۳۸. میبدی، رشیدالدین ابوالفضل، کشف الأسرار و عدة الأبرار، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۳۹. نوبیا، پل، تفسیر قرآنی و زبان عرفانی. ترجمه اسماعیل سعادت، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.